

بایسته‌های سیاستگذاری برای خانواده

اگر چه هر عضو خانواده به عنوان فرد انسانی و از حیث نقشی که در خانواده دارد، دارای حقوقی است، اما همگان اذعان دارند که آنچه خانواده را پیش می‌راند حاکمیت اخلاق و عاطفه است.



جام جم آنلاین: اگر چه هر عضو خانواده به عنوان فرد انسانی و از حیث نقشی که در خانواده دارد، دارای حقوقی است، اما همگان اذعان دارند که آنچه خانواده را پیش می‌راند حاکمیت اخلاق و عاطفه است. به این ترتیب، آموزش حقوق یکطرفه، بدون بیان حقوق طرف مقابل و تکالیف هر دو نسبت به یکدیگر منجر به درگیری همسران و اعضای خانواده شده و سلامت خانواده را به خطر خواهد انداخت.

خانواده از منظر اسلام دارای ارزش و اهمیت ویژه‌ای بوده و دارای کارکردهای منحصربه‌فردی است که بعضاً قابل واگذاری به دیگر نهادها نیست و اهمیت خانواده تا جایی است که صلاح و فساد جامعه را در گرو آن دانسته‌اند.

این نکته با توجه به تأکید اسلام بر بنیان خانواده و آنچه در جریان مناسبات خانوادگی به فرزندان انتقال داده می‌شود قابل تأیید است.

در نگاه اسلامی خانواده دارای هویتی جدا از افراد تشکیل‌دهنده آن است و حفاظت از این نهاد و تضمین سلامت آن بر صلاح زن و مرد تشکیل‌دهنده آن مقدم است.

این مهم از آن جهت است که خانواده به عنوان يك كل دارای کارکردهایی است که از عهده خانواده‌های تک‌سرپرست (زن و مرد) برنخواهد آمد.

آنچه خانواده را از دیگر نهادهای مشابه (مانند رسانه و آموزش و پرورش) متمایز می‌کند کارکردهایی است که خانواده، آن را در ضمن مناسبات همسران و تربیت فرزندان ارائه می‌کند.

کارکردهای خانواده را به اختصار می‌توان به طریق ذیل برشمرد:

1- باورها و اصول اولیه ذهنی افراد در خانواده شکل می‌گیرد. این امر در سایه توجه والدین به انتقال ارزش‌ها به فرزندان انجام شده و سپس در عرصه اجتماع به کار گرفته می‌شود.

2- ارتباطات خانوادگی مستمر، درازمدت و چهره به چهره که براساس شناخت ویژگی‌های افراد انجام می‌شود در امر تربیت تأثیرات مثبت دارد. این امر خلاف ویژگی تربیتی نظام‌های آموزشی است که براساس بخشنامه و قراردادهای و بدون توجه به تفاوت‌های فردی افراد انجام می‌گیرد. نتیجه چنین برخوردی در خانواده ایجاد شخصیت مستقلی است که با تمام معایب و نقاط قوت مورد علاقه والدین است.

3- خانواده مهم‌ترین نهادی است که اراده آزاد در آن جریان دارد. در امور و ارتباطات درون خانوادگی دورویی و نفاق مطرح نیست. این ویژگی سبب می‌شود که افراد بتوانند در خانواده فارغ از قضاوت‌ها خود را به معرض نمایش گذارند.

4- خانواده مکانی است که تربیت جامع در آن صورت می‌گیرد. تربیت دانشی، اخلاقی، جنسی و سیاسی همه در خانواده و در کنار هم انجام می‌شود. پدر و مادر که حمایت‌گر اقتصادی هستند فرد را تربیت می‌کنند. بنابراین فرد تربیت‌کننده، ناظر، محافظ، مراقب و پشتیبان نیز هست. این امور فرآیند تربیت را معناپذیر و موثر می‌کنند.

5- حساسیت موجود در انتقال ارزش‌ها، در خانواده بیش از هر نهاد دیگری است. بنابراین آنجا که وظیفه نهادهای آموزشی به بیان شرط بلاغت محدود می‌شود، خانواده به دلیل گره خوردن ارتباط اقتصادی، عاطفی و اجتماعی (آبرویی) آنها با فرزندان، حساسیت ویژه در انتقال صحیح ارزش‌ها دارد.

6- از جمله حساسیت‌های خانواده سالم مسلمان، انتقال ارزش‌ها و آموزش نقش‌های متناسب با جنسیت فرزندان است. در چنین خانواده‌ای مطابق تعالیم اسلامی، از هر جنس انتظار خاصی می‌رود و برابری در ارزش و احترام به هر دو جنس تلقی می‌شود نه در یکسانی نقش‌ها و فعالیت‌ها.

7- کارکرد سیاسی خانواده در پرورش خصوصیات مانند تساهل و تسامح، اخلاق پذیرش و مدارا، تفهیم تولی و تبری با احترام به نظام سلسله مراتبی در خانواده نمایان است.

8- انجام وظایف مذکور در حوزه خانواده سبب می‌شود که مطالبات نسل آتی تعدیل و مدیریت شود. توجه به تربیت متمایز و هدفمند دختران و پسران در خانواده، آنان را آماده پذیرش نقش‌های خانوادگی و اجتماعی خود کرده و از هدر رفتن توان و سرمایه نسل جوان در مطالبه خواسته‌های غیرواقعی و غیرمنطبق با فلسفه وجودی‌شان جلوگیری خواهد کرد. همچنین آموزش تلاش و صبر و توکل بر خوداتکایی فرد در عرصه جامعه بر استقلال و عدم وابستگی به نهادهای دولتی انجامیده و بار حکومت را سبک‌تر خواهد کرد.

چنین دیدگاهی به خانواده و آثار آن نشان‌دهنده آن است که خانواده نهادی است که باید فراتر از مصلحت فردی افراد در نظر گرفته شود. برخورد جزئی (فردی) با خانواده به صورت تأمین مصلحت زن، شوهر یا فرزندان قادر به تأمین مصلحت خانواده نیست. همچنان‌که نبود وجود نگاه مستقل به خانواده در سیاست‌گذاری‌ها و اکتفا به چند بند و ماده برای حمایت از خانواده بی‌فایده خواهد بود.

نگاه فردی به خانواده، آن را از کلیت خارج کرده و مصلحت یکی از اعضای خانواده را بر دیگران ترجیح خواهد داد. بدیهی است تأمین این مصلحت منجر به برهم خوردن نظام خانواده شده و آن را از حالت اعتدال و ارتباط متقابل خارج خواهد کرد.

اگر چه هر عضو خانواده به عنوان فرد انسانی و از حیث نقشی که در خانواده دارد، دارای حقوقی است، اما همگان اذعان دارند که آنچه خانواده را پیش می‌راند حاکمیت اخلاق و عاطفه است. به این ترتیب، آموزش حقوق یکطرفه، بدون بیان حقوق طرف مقابل و تکالیف هر دو نسبت به یکدیگر منجر به درگیری همسران و اعضای خانواده شده و سلامت خانواده را به خطر خواهد انداخت.

در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان نیز اهمیت خانواده به عنوان نهادی مستقل در نظر گرفته نمی‌شود. حضور دولت اسلامی به عنوان ابزار مدرن اجرایی فرامین حکومت اسلامی، فارغ از تأثیرات شکلی آن نخواهد بود. کسی نیست که بر حقیقت این ادعا تردید داشته باشد که قالب‌ها و روش‌ها می‌توانند در محتواها تأثیر بگذارند.

دولت مدرنی که با نظریات اجتماعی دنیای مدرن سعی در مدیریت جامعه اسلامی دارد، باید در نظر بگیرد که در مصوبات خود در حوزه فردی، اجتماعی و اقتصادی منافع خانواده را در نظر داشته باشد نه افراد تشکیل‌دهنده آن را. زمانی که آمار جدایی میان زنان شاغل چهار برابر زنان خانه‌دار اعلام می‌شود آیا مجاز است که سیاست دولت در راستای اختصاص فرصت‌های شغلی به زنان تأیید شود؟ آنگاه که برای صرفه‌جویی در مصرف برق به خانواده وعده داده می‌شود که در صورت انتقال ساعات اوج مصرف به 12 شب تا شش صبح، مبلغ قبض آنها تا یک سوم کاهش پیدا خواهد کرد، آیا ساعات استراحت خانواده و روابط همسران را در نظر گرفته است؟

محتمل است که خانواده از کارکردها و خدمات ویژه‌اش به جامعه مطلع نباشد و هنر آن است که با آگاه کردن خانواده و بویژه نقش زنان در خانواده، آن را تحت کنترل و مدیریت درآورد.

به این صورت خانواده می‌تواند در مورد خطرات تهدیدکننده این نهاد بدرستی موضع گرفته و عمل نماید. در غیر این صورت جریان موجود آن را از مسیر مذکور منحرف کرده و تبعاتی را برجا خواهد گذاشت که ترمیم آثار آن طولانی‌مدت و در بعضی موارد غیرقابل جبران خواهد بود.

همان‌گونه که گفته شد اهمیت خانواده در نظام اسلامی فراتر از تشکیل‌دهندگان آن است. البته این امر به معنای این نیست که افراد از حقوقی که شرعاً و قانوناً به آنها تعلق گرفته به خاطر حفظ خانواده چشم‌پوشی کنند و زندگی را در هر شرایطی ادامه دهند بلکه مقصود آن است که در مسیر اصلاح ناهنجاری‌های موجود در حوزه خانواده و حمایت از افراد ضعیف‌تر در خانواده (زنان و کودکان) اصل خانواده مورد حمله قرار نگیرد.

همچنین لازم است در برنامه‌ریزی‌های کلان نیز خانواده مدنظر باشد تا سیاست‌های اتخاذ شده و نتایج آن، بر ضد آن عمل نکند.

بنابراین نگاه جنسیتی به خانواده (زنان یا مردانه) یا نگاه کودک‌محور به آن در مسیر اصلاحات و ارتقای کیفیت زندگی خانوادگی نخواهد بود بلکه آن را به مثابه اجزای جدا در نظر خواهد گرفت.

این‌گونه سیاست‌گذاری خانواده را به سمت فروپاشی سوق خواهد داد. در حالی‌که در نظر گرفتن خانواده به عنوان نهاد مستقل از افراد، نیازمند استقلال در کارکردها، با اتکاء به حمایت‌های تسهیل‌کننده نهادهای دیگر مانند رسانه، آموزش و پرورش، اقتصاد و نهاد مذهب، به سمت شکوفایی ظرفیت‌ها در تربیت نسل آینده جامعه اسلامی با کمترین آسیب‌ها حرکت خواهد کرد.

سمیه عرب